

## ماجرای جدل بر سر جده و جحفه! / خاطره آیت الله خامنه‌ای از عبادات استاد شهید

۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۳ ساعت ۱۱:۰۳

یادم هست در سالهایی در دهه چهل آقای مطهری یک سلسله سخنرانی داشتند. سه تا بچه قد و نیم قد در خانه داشتیم که به هر حال سر و صدا داشتند. من برای اینکه ایشان آرامش داشته باشند و به مطالعه شان برسند بچه ها را برمی داشتیم و میرفتیم امامزاده یحیی در خیابان ری

خانواده استاد شهید آیت الله مطهری، در سالگرد شهادت ایشان خاطرات منتشر نشده و ناب همسر شهید مطهری از ایشان را در اختیار رسانه ها قرار دادند.

متن کامل این خاطرات خواندنی به این شرح است،

سال ۴۵ بود که توفیق حج واجب نصیب ما شد. هفت فرزند قد و نیم قد داشتیم که بزرگترینشان ۱۳ ساله و کوچکترینشان ۱۰ ماهه بود. خدا رحمت کند مادرم را، از مشهد به تهران آمدند و نگهداری از بچه ها را به عهده گرفتند که من بتوانم همراه آقای مطهری به حج بروم. سفر از طرف حسینیه ارشاد ترتیب داده شده بود. یادم هست وقتی به جده رسیدیم برخی آقایان اصرار داشتند که نیازی نیست که به جحفه برویم و آنجا محرم شویم. همین جا از جده محرم می شویم و می رویم مکه! آقای مطهری هم خیلی تلاش کردند که آنها را متقاعد کنند که این طور صحیح نیست ولی گوش آنان بدهکار نبود. یکی از بازاریان که با ما همسفر بودند یک ماشین گرفتند و ما و برخی دیگر به جحفه رفتیم و محرم شدیم و در مکه به همسفران ملحق شدیم. آن وقت در بدو ورود بعضی از دوستان همسفر سر به سر کسانی که به جحفه رفته بودند می گذاشتند که مؤمنین آمدند! جحفه ای ها آمدند!

قرار بود علامه طباطبایی برای معالجه عازم لندن بشوند. خود علامه (ره) اصرار داشتند که آقای مطهری هم همراهشان باشند. مرحوم علامه و همسر دومشان - خواهر مرحوم روزبه که پس از فوت همسر اول علامه، با ایشان ازدواج کردند - و من و آقای مطهری با مرحوم علامه عازم لندن شدیم. یکی از این آقایان نظریه پرداز که به مدد همین حرف های روشنفکری اسم و رسمی دارند آن موقع می آمدند و چون زبان انگلیسی میدانستند علامه را دکتر میبردند. یک روز صبح ایشان با چند نفر دیگر خدمت علامه آمدند و نوشته ای را بدون ذکر نام نویسنده خدمت علامه دادند که شما بخوانید و نظرتان را نسبت به نویسنده این مطالب و نظراتش بگویید. مرحوم علامه هم بدون اینکه بدانند نویسنده کیست مطلب را مطالعه کرده و در حضور جمع گفتند که کسی که اینها را نوشته اصلا مسلمان نیست! آن آقا دیگر خداحافظی کرد و رفت و دیگر حتی نیامد که کارهای درمانی علامه تمام شود. بعد از ایشان آقای دکتر حق شناس کار معالجه مرحوم علامه را پیگیری میکردند.

\*\*\*\*\*

آقای مطهری خیلی عوالم عرفانی داشتند و به نماز شب بسیار مقید بودند. (آقای خامنه ای هم نقل میکنند که یک شب که آقای مطهری مشهد میهمان ایشان بودند نیمه های شب، خود آقا و خانمشان از صدای گریه مرحوم مطهری در نماز شب بیدار شده بودند). خاطر هست یک بار هم نیمه های شب یکی از بچه ها بد حال شده بود و تب شدیدی داشت. آقای مطهری هم در کتابخانه شان مشغول عبادت بودند. ما چند بار وارد کتابخانه شدیم که به ایشان بگوییم بچه حالش بد است و دکتر می خواهد ولی ایشان همچنان سرشان به سجده بود و بلند نمی شدند که ما مطلب را بگوییم. دیگر خودمان با دکتر تماس گرفتیم و رسیدگی کردیم تا بهتر شد. بعد که آقای مطهری خبردار شدند می گفتند که من اصلا متوجه نشدم که کسی وارد کتابخانه شده باشد. آنقدر غرق در عبادت بودند که چند بار رفت و آمد ما به اتاق و صدای در و ... را متوجه نشده بودند.

\*\*\*\*\*

یادم هست در سالهایی در دهه چهل آقای مطهری یک سلسله سخنرانی داشتند. سه تا بچه قد و نیم قد در خانه داشتیم که به هر حال سر و صدا داشتند. من برای اینکه ایشان آرامش داشته باشند و به مطالعه شان برسند بچه ها را برمی داشتیم و میرفتیم امامزاده یحیی در خیابان ری.

آن موقع آقا مجتبی چهار سال و نیمه، حمیده خانم دو سال و نیمه و علی آقا ۴۰ روزه بود. یادم است یک بار باران شدیدی هم شروع به باریدن کرده بود و ما همچنان توی امامزاده پناه گرفته بودیم. بیسکویت هم برای بچه ها برده بودم که گرسنه نمانند. یک خانمی که ظاهرا وضعیت ما، که با نوزاد خیلی کوچک و دو تا بچه خردسال می آیم توی امامزاده و میمانیم، برایش سؤال برانگیز

شده بود آمد پیش من و شروع به صحبت کرد که چرا اینجا نشستی. گفتم که همسر من نویسنده است و برای اینکه رشته افکارش گسسته نشود بچه ها را می آورم بیرون و سرگرم میکنم. ایشان خیلی من را تشویق و تحسین کرد و کمک کرد که من بچه ها را به خانه ببرم. اتفاقاً منزلشان یک کوچه با ما فرق داشت و نزدیک بودیم. ایشان بعد از آن یکی از بهترین دوستان من شد و بسیار به من کمک کرد مخصوصاً در خرید جهیزیه برای دخترها. خدا رحمتش کند. نامش خانم قاضی زاده بود.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۶۵۴۶/شهادت-استاد-عباد-ای-خامنیه-الله-آیت-خاطره-جحفه-جده-سر-جد-ماجرای-۲۶۵۴۶>